دیدگاه

## اظهار نظر مقامات جهان درباره خاتمی

**خوزه ماریا ازنار نخست وزیر اسپانیا:**

اسپانیا در ایده گفت وگوی تمدن ها خود را با جناب آقای خاتمی شریک و سهیم می داند و برای این مسأله احترام زیادی قائل است و بر این باور است که باید فراتر از این مسأله حرکت کرد. این کشور آماده است در تمام مسائلی که در این باره مطرح می شود با جناب آقای خاتمی همکاری کند.

همکاری ها در حقیقت نشانی از ترقی و تعالی را به ما نشان می دهد. سخنانی را که جناب آقای خاتمی می گویند همه با نظرهای من هماهنگ است.

**جیانگ زمین رئیس جمهور خلق چین:**

کشور چین سیاست تنش زدایی و گفت وگوی تمدن های جناب آقای خاتمی و گسترش روابط ایران با خارج و اروپا را تحسین می کند و از نقش بین المللی ایران خرسند است. چین گفت وگوی تمدن های پیشنهاد شده توسط جناب آقای خاتمی را مثبت ارزیابی و از آن حمایت می کند.

جامعه بشری در دوران پیشرفت خود، تمدن های مختلفی را آفریده است. اگر چه درگیری تمدن ها هم وجود داشته، لکن آمیزش فرهنگ ها و تبادل آن ها روند اصلی حرکت تمدن ها بوده است. کشورهای جهان باید بر اساس برابری و احترام متقابل با همدیگر همکاری کنند تا نکات مشترک بیشتر شده و تمدن ها ارتقا یابند. در قرن جدید رهبران باید بدانند که تمدن ها آسان به دست نیامده اند و دستاوردهای تمدنی را نادیده بگیرند. امیدواریم تبادل فرهنگی جایگزین غارت شود و تمدن های دیگر نیز به رسمیت شناخته شوند. چین مایل است با ایران و دیگران همکاری کند و برای ایجاد نظم نوین عادلانه، برابر، پیشرفته و صلح و ثبات بشری تلاش کند.

**کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل:**

ما از رهبری جناب آقای خاتمی که موجب نزدیکی ملت ها، افزایش احترام کشورها و همچنین توجه به حاکمیت بر مبنای عدالت بیش تر گردیده، تشکر می کنیم. واقعیت این است که هر کاری را که سازمان ملل در آن موفق بوده است با حمایت رهبرانی چون آقای خاتمی انجام شده است. ایشان در مورد گفت وگوی تمدن ها بسیار فعال هستند و امروز شاهد حمایت و علاقه ای هستیم که از کشورهای مختلف برای این فعالیت و تلاش ابراز می شود.

**کورت والدهایم رئیس جمهوری سابق اتریش:**

سیاست گفت وگویی را که جناب آقای خاتمی مطرح کردند جداً مرا تحت تأثیر قرار داده است. این سیاست ایشان کاملاً با اهداف سازمان ملل هماهنگ است و مشارکت در اجرای دستور سازمان ملل به حساب می آید. جناب رئیس جمهور و رهبری این کشور فعالیت های بسیار خوبی را در کشورهای آسیای مرکزی داشته اند و همچنین در ارتباط با همسایگان دیگر و بویژه افغانستان فعالیت های بسیار چشمگیری داشته اند که همگی قابل تحسین هستند.

مهم ترین موضوعی که در قرن آینده می تواند مطرح باشد - با توجه به این که در آستانه هزاره سوم هستیم - همین موضوع گفت وگوی تمدن هاست و ما باید سعی کنیم که در روابط بین المللی این موضوع را لحاظ کنیم. اتریشی ها از سیاست هایی که به وقوع جنگ دوم جهانی انجامید، بسیار رنج بردند و مشکلات بسیاری را تحمل کردند، اما هم اکنون شاهد این هستیم که علاقه به همکاری بیشتر بین ادیان در اتریش مشاهده می شود و بحث این هست که اسلام و مسیحیت باید با یکدیگر همکاری بیشتری داشته باشند، تا به حل مشکلات عمده امروز بپردازند. در این ارتباط آقای کاردینال کمینه ای را تشکیل داده که این مسأله را مورد بررسی قرار بدهد. ایشان در پی این است که همکاری بین ادیان مختلف ارتقا پیدا کند، به ویژه بین اسلام و مسیحیت که مشارکت آنها در حل مسائل دنیا می تواند بسیار مؤثر باشد.

**ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه:**

روسیه از پیشنهاد گفت وگوی تمدن های جناب آقای خاتمی پشتیبانی می کند. ایشان شخصیت بسیار فعالی هستند و در نتیجه فعالیت ایشان، برخورد جهان با ایران عوض شده است. کشورهای دیگر از جمله اروپایی ها از کشور روسیه که همیشه روابط خوبی با ایران داشته، سرمشق می گیرند. در روسیه که در طول هزار سال، ادیان مختلف با هم زندگی می کنند، نیروهایی وجود دارند که می خواهند تفرقه ایجاد کنند و در پشت آن نیروهایی هستند که هدف آن ها شناخته شده است. ابتکار ایشان بسیار به موقع است و ما، در آن شرکت فعال خواهیم داشت.

# تأثیرپذیری جهان عرب از شخصیت خاتمی

**گفت وگو با محمدسعید نعمانی مشاور بین الملل وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی**

گفت وگو: حسن احمدی

عکس: ها ایرنا

**اگر چه برخی بر این عقیده اند که پروژه فکری خاتمی به دلیل اقدام های متوالی و دامنه دار مخالفان داخلی اش به شکست کامل انجامیده، اما این واقعیت بر اهل نظر پوشیده نیست که دکترین خاتمی نه تنها در عرصه اندیشه ورزی داخلی که حتی در برخی حوزه های جغرافیایی و از جمله در جهان عرب بر معادلات فکری روشنفکران این دیار تأثیر گذاشته است. محمدسعید نعمانی، شخصیت مناسبی برای اظهار نظر در این خصوص است. سفرهای کاری نعمانی به برخی کشورهای جهان عرب این فرصت را در اختیار وی گذاشته است تا از نزدیک دامنه نفوذ کلام خاتمی را بر آرای روشنفکران عرب بسنجد. گفت وگو با نعمانی مشاور بین الملل وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را بخوانید.**

*** تحولات داخلی ایران غالباً فراتر از مرزها و در منطقه منشأ تاثیر بوده است. به عنوان مثال در دوران مشروطیت، ملی شدن صنعت نفت و وقوع انقلاب اسلامی شاهد پرتوهایی از اندیشه های نوگرایانه مردم ایران در منطقه بوده ایم. اکنون نیز برخی از کارشناسان از تاثیر پدیده دوم خرداد بر محیط پیرامون ایران سخن می گویند. شما در این باره چه برداشتی دارید؟**

– همانطور که اشاره کردید تغییر و تحولی که ایران لااقل در دوره معاصر داشته در خارج از مرزها دارای تأثیراتی بوده که این گونه تأثیرگذاری در روابط بین ملتها البته امری طبیعی است. به عنوان مثال انقلابهایی که در روسیه و فرانسه رخ داد به تدریج در تمام منطقه و بسیاری از نقاط جهان مورد توجه قرار گرفتند. ایران هم همانطور که تحت تأثیر بعضی جریانات قرار گرفت بر دیگران هم تأثیر گذاشت. این یک واقعیت است که ایران از نظر جغرافیایی، تاریخی، تمدن و ... یکی از کشورهای شاخص است. من حتی می توانم به دوره هایی اشاره کنم که ایران یکی از دوقطب تاریخ و تمدن جهان بود و همیشه به عنوان قطب پیشرو در بخش بزرگی از جهان به شمار می آمد. این جایگاه در دوره بعد از اسلام حفظ شد و ایرانی ها در بسیاری از علوم جدید و اسلامی نیز سرمشق دیگران بودند. حتی قواعد زبان عرب توسط ایرانی ها به اعراب تعلیم داده می شد. سوای فقه، تاریخ، فلسفه و رشته های دیگر در این بحث می توان از کتاب ارزشمند شهید مطهری یاد کرد که بر خدمات متقابل اسلام و ایران تأکید کرده است. در دوران جدید نیز ایران پیشگام مشروطیت درمنطقه بود و جزو اولین کشورهایی بود که در منطقه حکومتی مبتنی بر مردم سالاری تأسیس کرد. در حالی که در همان زمان در منطقه حکومتهایی مثل – عثمانی – بودند که نمونه یک دیکتاتوری کامل به حساب می آمد. بعد هم مسائل مربوط به صنعت نفت و انقلاب اسلامی پیش آمد و حتی برخی از ناظران سیاسی – اجتماعی انقلاب اسلامی ایران را به عنوان انقلاب قرن و یک رویداد منحصر به فرد در این قرن یاد کردند.

*** انقلاب اسلامی گرچه به عنوان یک بیداری اسلامی در ایران و منطقه مطرح شد اما پس از مدت کوتاهی در بسیاری از کشورهای عربی منطقه، حرکتهایی به وقوع پیوست که متناسب با آرمانها و اندیشه های آن نبود. اکنون به قضاوت تاریخی شرایط عوض شده و همگرایی مردم منطقه بویژه در حوزه روشنفکری، فرهنگ و حتی سیاست از سرگرفته شده، به نظر شما چه عاملی چنین تحولی را ایجاد کرده است.**

– بعد از انقلاب اسلامی خیلی از قدرتهای بزرگ که در منطقه منافعی داشته و دارند احساس خطر کردند. این مسأله به گرایشات و اتفاقاتی دامن زد که به شکاف بین جمهوری اسلامی و محیط پیرامونی آن منتهی شد که البته بعد از یک دوره کوتاه مدت، حمله عراق به کویت و ... باعث شد فضا تا حدی به نفع ایران تغییر کند. اما به عنوان یک واقعیت باید گفت، تلاش ایران برای اعتماد سازی مهمترین عامل گشایش فضای جدید بوده است. ما متأسفانه در گذشته به خاطر برخی عوامل مثل بعضی گفتمان ها و اظهار نظرها باعث ایجاد نگرانی شدیم. البته این خطایه ها در آن دوران طبیعی و منتج از مظلومیت هایی بود که ایران از دست عوامل قدرتهای بین المللی کشیده بود و شبیه چنین اتفاقاتی در انقلاب کبیر فرانسه نیز رخ داد. در آن دوران برخی شعارها مطرح شد و برخی تعریف ها صورت گرفت. ببینید! مسأله صدور انقلاب ایران به سرعت به دستاویزی برای قدرتهای دیگر تبدیل شد و اینگونه وانمود کردند که این انقلاب فرامرزی است و می خواهد کشورهای دیگر را تسخیر کند. در حالی که صدور انقلاب اصلاً به معنای «صدور اجباری انقلاب» نبود. از نظر من شکی نیست که دوم خرداد و ظهور شخصیتی مثل آقای خاتمی با توجه به شعارها و عملکردهایی که داشت باعث تحولات اساسی در روابط منطقه ای ایران شد. گرچه در دوران پیش از ایشان نیز چنین شعارهایی سر داده می شد و اقداماتی نیز صورت می گرفت. اما آقای خاتمی به حرکت تنش زدایی شتاب مضاعف و چند برابر بخشید. البته در این مسیر شبکه های اطلاع رسانی و ارتباط جمعی نیز منشأ خیر بودند. چون ما به دلیل ضعف امکانات، نتوانسته بودیم غبار از تصویر نادرستی که از ایران در جهان و منطقه ارائه شده بود بزداییم. اما الآن وضعیت متفاوت از گذشته است.

*** روابط ایران و اعراب از چند منظر قابل توجه است، مثلاً وجود اشتراکات تاریخی، دینی و فرهنگی که باعث شده در طول تاریخ با وجود فرازو نشیب ها ارتباط این دو حوزه حفظ شود. نگاه دوم از منظر سیاسی است که در مقاطع مختلف با توجه به حوادث آن دوره دچار گرایش ها و تنش های خاص بوده ایم. در دوره اخیر، آقای خاتمی به عنوان یک شخصیت فرهنگی – سیاسی چه تأثیری بر جهان عرب داشته و چه بخشی از نیازهای آنها را توانست باز تعریف کند؟**

– شعارهایی که آقای خاتمی مبنی بر عدالت اجتماعی، مشارکت مردمی و تنش زدایی طرح کرد خواسته هایی بود که مطلوب همه ملتها، بویژه کسانی بود که با ما مشترکاتی دارند و ما دیدیم که چه تحلیل هایی در رسانه ها مختلف از طرف شخصیت های مختلف عرب درباره آقای خاتمی ارائه شد. یعنی ایشان را به عنوان یک شخصیت علمی در سطح منطقه و حتی فرامنطقه ای معرفی کردند. تأسف من این است که ما خودمان نتوانستیم شخصیتی مثل ایشان را به دنیا معرفی کنیم. در چکسلواکی وقتی «واتسلاوهاول» به عنوان یک نویسنده پا به عرصه سیاسی و ریاست جمهوری گذاشت رسانه های جمعی و ملی مثل یک پدیده با او برخورد کردند، در حالی که ما در این زمینه نمونه های زیادی داریم اما دنیا از آنها اطلاعی ندارد. به عنوان مثال شخصیت ادبی و فرهنگی حضرت امام رضوان الله علیه، و اینکه دیوان شعری هم از ایشان وجود دارد، یا تبحر و تسلط مقام معظم رهبری در ادبیات فارسی وعربی و دیدگاههای فرهنگی و هنری ایشان کاری است در خور نشر در محافل فرهنگی دنیاست که انجام نشده است.

***به شعار های آقای خاتمی اشاره کردید. ایشان به عنوان یک روشنفکر ایرانی چه حرف تازه و پیام نوینی برای جهان عرب به ارمغان آورد؟**

– به نظر من تز آقای خاتمی که مورد توجه آنها قرار گرفته این بود که ایشان ضمن حفظ مواضع و اصول دینی از دین تفسیر معقولی ارائه کرد و گفت نباید به نام دین، آزادی مردم و مشارکت سیاسی – اجتماعی آنها محدود شود و همین طور به نام آزادی نباید دین را از عرصه سیاسی – اجتماعی حذف کرد.

> من مشاهدات و ملاقاتهای زیادی چه با نخبگان و روشنفکران و چه بامردم دیگر جهان عرب داشته ام و می توانم بگویم که در بین همه این گروه ها نگاه کاملاً مثبتی نسبت به آقای خاتمی وجود دارد و تحت تأثیر شخصیت ایشان قرار گرفته اند. این احساس حتی در بین حکومتها و دولتمردان این کشورها نیز وجود دارد

*** به نظر شما تأثیر آقای خاتمی بیشتر بر طبقات روشنفکری، تحصیلکرده و نخبه اعراب بود یا اینکه ایشان به عنوان یک چهره دینی در طبقات پایین و محروم جوامع عربی - اسلامی شناخته شده است؟**

– من هر دو را دیده ام. من مشاهدات و ملاقاتهای زیادی چه با نخبگان و روشنفکران و چه بامردم دیگر جهان عرب داشته ام و می توانم بگویم که در بین همه این گروه ها نگاه کاملاً مثبتی نسبت به آقای خاتمی وجود دارد و تحت تأثیر شخصیت ایشان قرار گرفته اند این احساس حتی در بین حکومتها و دولتمردان این کشورها نیز وجود دارد. چون وقتی ایشان تز گفت وگوی تمدنها را مطرح کرد، این تز مایه مباهات و غرور جوامع عربی - اسلامی شد. در حقیقت جهان اسلام معمولاً در مسائل جهانی منفعل و بدون اثرگذاری بود. اما من نوشته های زیادی از شخصیت های عربی و نویسندگان آنها دارم که نشان می دهد برای آنها گفت وگوی تمدنها و توجه ویژه جهان به این تز غرور آفرین بود. چون در شرایطی که جهان غرب تصویر و تلقی نادرستی از اسلام داشت آقای خاتمی نشان داد اسلام نه تنها دین خشونت، دگماتیسم و ... نیست بلکه برعکس مکتب گفت وگو است. می توانم ادعا کنم گفت وگوی فرهنگها که از سوی آقای خاتمی مطرح شد به یک فرهنگ عمومی و فراگیر مبدل شده است و بعد از آن کتابهای مختلف و مقالات زیادی در این باره نگاشته شد و حتی در دانشگاههای برخی کشورهای اسلامی مثل تونس به عنوان یک درس دانشگاهی تدریس شد. سال پیش هم در دانشگاه قاهره سمیناری در زمینه گفت وگوی تمدنها برگزار شد که یکی از جلسات چهارگانه این سمینار به بررسی تجربه پیشتاز آقای خاتمی اختصاص یافت. به اینها می توان میزگردها و جلسات کارشناسی متعددی را که در تلویزیونها و دانشگاهها و محافل علمی جهان عرب برگزار شده و می شود افزود. اینهاهمه تأثیرگذاری شخصیت آقای خاتمی را در این مناطق نشان می دهد.

*** شما گفتید آقای خاتمی براساس نظریاتی که ارائه کرد در جهان عرب و در بین مردم شناخته شده و مورد احترام است. آنچه آقای خاتمی تئوریزه می کند گذار یک جامعه سنتی مذهبی به مدرنیته ای است که تقدس در آن کم اعتبار می شود. این امر چگونه می تواند در آن جوامع اثرگذار باشد؟**

– خب اینطور نیست که آنها هنوز وارد دوران گذار نشده باشند. بلکه در بسیاری از کشورهای عربی طبقات متوسط شکل گرفته است. در الجزایر، مصر، تونس و... طرح نظریات و تئوریهای جدید کاملاً مشهود است. الآن بسیاری از سخنرانیها و مقالات آقای خاتمی به زبان عربی ترجمه شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

*** آیا بسط آزادی، دموکراسی، حقوق شهروندی و بطور کلی تجربه جامعه مدنی که از سوی آقای خاتمی به عنوان رهیافتهای سیاسی - اجتماعی معتبر در یک جامعه دینی مورد تاکید قرار گرفته نمی تواند موجی از نگرانی را در دولتهای منطقه و طیف های سنتی به وجود آورد؟**

– بله ممکن است برخی از آنها از این گفته ها نگران شوند. همانطور که بعضی از دولتمردان این کشور ها به طنز و جدی بارها اعلام کردند که روزهای اول از صدور انقلاب می ترسیدند و اکنون از صدور گفتمان دموکراسی.

بنابراین، این مسأله که اشاره کردید به عنوان یک واقعیت وجود دارد اما به نظرم کشورهای منطقه به این نتیجه رسیده اند که حکومتهایشان به شیوه دهه های پیشین قابل دوام نیست. از این رو به این صرافت افتاده اند که اجازه دهند نسیم اصلاحات بر ساختار سیاسی آنها وزیدن بگیرد. تغییر نگاهی که در این کشورها نسبت به زنان، انتخابات، آزادیهای فردی و ... ایجادشده حاصل این نگرش جدید است. مخصوصاً در جهان تک قطبی فعلی این دولتها به دنبال آن هستند که قبل از اینکه اصلاحات به آنها تحمیل شود - با فشارهای خارجی یا داخلی - به سمت تغییرات کنترل شده و مردم سالاری روی بیاورند.

*** شما به نگرانی جهان عرب از تحمیل دموکراسی و اصلاحات اشاره کردید که ممکن است ازسوی یک قدرت برتر جهانی صورت گیرد. آیا آنچه که به عنوان تأثیر آقای خاتمی بر منطقه می گویید نمی تواند شامل همین معنا باشد؟**

– ببینید! اگر اینها احساس کنند که این مفاهیم از خارج به آنها تحمیل می شود در برابر آن دچار انفعال و نارضایتی می شوند. اما برخلاف این امر، فکر و اندیشه سیال بوده و مثل نسیم جریان دارد و کسی نمی تواند جلوی نسیم را بگیرد. حرکتی که آقای خاتمی در عرصه نوسازی سیاسی - اجتماعی جامعه ایران با هزینه کم و پایین شروع کرد و تاحدی به نتیجه رسید تجربه خوبی برای کشورهای منطقه است تا به این نتیجه برسند که می شود با یک حرکت پویا و همگام با تحولات، خود را با شرایط جدید تطبیق داد.

*** آیا این همان تکرار تاریخ نیست؟ تاریخی که شهادت داد مطالبات مردم ایران در انقلاب مشروطیت به صورت الگویی درمنطقه درآمد و حتی از نظر بسیاری از ناظران، انقلاب اکتبر روسیه نیز تحت تأثیر انقلاب مشروطیتی بود که درایران به نتیجه نرسید. آقای نعمانی آیا اکنون هم ایران، دیگران را از خواب بیدارمی کند؟**

– بله با کمی تسامح شکی نیست که ما شاهد حرکتهایی در این کشورها هستیم و احزابی درچندسال اخیر در کشورهای این منطقه رونق گرفتند و حتی پیروزیهای سیاسی درخشانی را کسب کردند که رمز موفقیت آنها ایجاد هماهنگی بین اصول وشرایط روز بود. یعنی چیزی را که آقای خاتمی مطرح کرد. شما ببینید درجهان اسلام چه تعداد احزابی شکل گرفته اند که بر توسعه و عدالت تأکیدمی کنند و خواهان حفظ اصول دین در یک محیط سیاسی - اجتماعی مدرن هستند. یعنی هردو اینها را با هم می خواهند نه بدون هم. بسیاری از اینها پس از دوم خرداد ایران شکل گرفته اند. البته نباید در این زمینه دچار اغراق شد ولی به عنوان یک واقعیت این امر اتفاق افتاده است.

*** اعراب با وجود اشتراکات دینی، فرهنگی و قومی - نژادی درحوزه فرهنگی و روشنفکری مرزهایی برای خود قایل اند. باتوجه به این مشخصات، آقای خاتمی در کدام حوزه با استقبال بیشتری مواجه شد؟**

– به نظرم ایشان کم و بیش درهمه حوزه های عربی از سواحل مدیترانه جنوب خلیج فارس گرفته تا شمال آفریقا تأثیر گذارد. به عبارتی هرمنطقه بنا به مقتضیات و اولویت های خود تحت تأثیر بخشی از اندیشه های آقای خاتمی قرارگرفت. به عنوان مثال درمنطقه خاورمیانه سخنان ایشان مبتنی بر تنش زدایی و دوری از خشونت سخت موردتوجه قرارگرفت. چون این منطقه شاهد دو جنگ خانمانسوز بود و هرکسی بخواهد می تواند استقبال ازگفتارهای آقای خاتمی را درکشورهای جنوب حاشیه خلیج فارس مشاهده کند. اما درکشورهایی مثل مصر و شمال آفریقا به آن بخش از افکار آقای خاتمی توجه نشان می دهند که مبتنی بر آزادی، گفت وگوی تمدنها و... است.

*** برخی می گویند دولتهای منطقه در ابتدا مایل نبودند افکار شخصیتی مثل خاتمی از مرزهای ایران عبور کند. اما این دیدگاه درحال حاضر دستخوش تعدیل شده است. شما فکرمی کنید علت این مسأله چیست؟**

– من اشاره کردم که بعضی از دولتها به این فکر افتاده اند که الآن می توانند با به کارگیری تز آقای خاتمی از میزان خشونت ها و تشنج بین دولت و مردم بکاهند وشکاف خود را با آنها پر کنند.

*** شما از تأثیر آقای خاتمی بر سخن گفتید. یکی از اصلی ترین مسائل مورد توجه آقای خاتمی درسطح جهانی بحث گفت وگوی تمدنها بود که در ابتدا استقبال بسیارزیادی از آن شد اما با گذشت زمان از اعتبار این گفتمان کاسته شد. چه عوامل درونی و برونی، چنین سرنوشتی را رقم زد؟**

– درداخل متأسفانه اینگونه مسائل وجه المصالحه برخی از اختلافات می شود. البته من با همه احترامی که برای جریانات سیاسی - فرهنگی قایل هستم خطابم به همه آنهاست، درحالی که طبق آموزه های اسلام ما باید حتی به محصول تلاش و اندیشه دشمنانمان نیز با دیده حق و انصاف بنگریم. اما متأسفانه ما در داخل کمتر شاهد گفت وگوی سازنده بوده ایم. درحالی که درخارج به ما می گویند اگر گفت وگوخوب است ابتدا باهم گفت وگو کنید و ما نتوانسته ایم. من برای ثبت در تاریخ شهادت می دهم که مسأله گفت وگوی تمدنها چه راهی را برای ما بازکرد تا بتوانیم صدا و افکارخودمان را به کشورهای دیگر برسانیم اما ما نتوانستیم یا نخواستیم چنین کنیم.

از نظر عوامل برونی بزرگترین ضربه را به تز آقای خاتمی، حادثه ۱۱ سپتامبر زد که هرچند در یک نگاه عمیق تر بر ضرورت چنین گفت وگویی صحه می گذاشت. به هرحال این حادثه درعمل ضربه بزرگی برای این طرح بود و جهان غرب را در یک حالت انفعالی قرارداد، پس از آن، به جای گفت وگو به خشونت، جنگ و خون به عنوان راه حل مسأله رو آوردند. به هرحال باتوجه به اینکه الآن ما مورد تهدید قرارگرفته ایم و فشارهای موجود از سوی کشورهای دیگر نیز مسأله پنهانی نیست باید به گفتمان گفت وگو توجه بیشتری کرد.

*** درحال حاضر آیا آقای خاتمی در جهان عرب همان کسی است که افکارش در دوم خرداد در ایران به منصه ظهور رسید؟ یا اینکه آن چیزی که در ایران رخ داد و موجب دلسردی مردم شد در آنجا نیز دارد اتفاق می افتد. به عبارت روشن تر به نتیجه نرسیدن پروژه مردم سالاری در ایران موجب کندی سرعت اصلاحات در آن مناطق نیز خواهد شد؟**

– شکی نیست. کسانی که مصالح و منافعشان اقتضامی کند وضع سابق ادامه داشته باشد سعی می کنند چهره مأیوس کننده ای از آقای خاتمی، افکار، اندیشه ها و آرمانهای وی نشان دهند. درحالی که آقای خاتمی در سطح بالایی توانست در عرصه های فرهنگی و سیاسی نوسازی کند؛ هرچند که هنوز مشکلاتی وجوددارد. با این حال در دنیا سعی می شود این دستاوردها دیده نشود. نکته مهم این است که ما نباید انتظار داشته باشیم یک پروژه بطورکامل به نتیجه برسد. به هرحال واقعیت هایی وجوددارند که شرایط را به گونه ای دیگر پیش می برند. این یک واقعیت است که تجربه های اجتماعی، مانند تجربه های ریاضی نیست که نتایج کاملاً قابل پیش بینی آن هم درکوتاه مدت داشته باشد، مهم این است که همان مسیربه نحودرست درحال طی شدن است و آقای خاتمی موفقیت هایی کسب کرده است. من باید تأکید کنم که به موازات برخی حرکتهای داخلی دربعضی از رسانه ها و ادارات اطلاع رسانی برخی کشورها، جریاناتی وجوددارد که سعی دارد چنین اتفاکند که پروژه خاتمی کاملاً شکست خورده است.